

# مرغ همسایه همیشه غاز نیست!

|| سردبیر ||

آنان را نزد دیگران حقیر می‌انگارند، در معرفی آنان از واژه‌ها صرفه‌جویی می‌کنند و تشویق و تکریمشان را به اصطلاح اسراف می‌پندارند، «مرغ همسایه برایشان غاز است»!

قدر داشته‌هایمان را بدانیم و از ضعف‌ها و محدودیت‌ها آوار نسازیم. به محض یافتن همکار جدید، همکار قدیمی را فراموش نکنیم، در بازدید از سازمان‌های مشابه دیگر، ظواهر چشم‌نمان را پر نکنند و با ارزیابی و قضاوت دیگران دچار توهم و خودفراموشی نشویم.

البته قید «همیشه» را درست شنیدید. هستند افرادی که لایق‌تر و توانمندترند و می‌توانند سازمان را در رسیدن به اهدافش بهتر یاری دهند. لذا باید حلقه اطرافمان را وسیع‌تر کنیم، توره‌های دانه درشت پهن کنیم و بزرگ‌ترها و توانمندترها را به خدمت بگیریم. اما حواسمان به این نکته ظریف باشد که «به خدمت گرفتن دیگران به قیمت دورانداختن همکاران لایقی که سال‌ها در نزدیکی مان به کار مشغول‌اند نباشد».

وقتی نگاهمان به بیرون دوخته است، مدام در انتظار آمدن افراد و امکانات لحظه‌شماری می‌کنیم و کمتر قدردان آنچه داریم هستیم، «مرغ همسایه را غاز می‌بینیم»! آنگاه که اطرافیانمان را احترام نمی‌کنیم و کسانی را که دیده می‌شوند نادیده می‌انگاریم، «مرغ همسایه را غاز که سهل است، شترمرغ می‌بینیم»!

اگر چه لازم است به بیرون و جامعه اطراف خود نیز نگاهی داشته باشیم و خود را در حلقه اول آشنایان و نزدیکان گرفتار نسازیم و کسانی را ببینیم که کمتر دیده می‌شوند یا دوست ندارند خودشان را در معرض دید قرار دهند، لکن حواسمان باشد به محض یافتن افراد جدید، همکاری را که سال‌ها در کنارمان تجربه اندوخته و دانش سازمانی و محیطی آموخته‌اند، با داشته‌ها و نداشته‌ها و فراز و فرودهای سازمانی ساخته‌اند و تجربه‌های زیسته فراوانی کسب کرده‌اند، به فراموشی نسپاریم. توانایی‌های دیگران را به رخ آنان نکشیم و تحقیرشان نکنیم. کسانی که غالباً هم‌سازمانی‌های خود را کوچک می‌پندارند و